



تده، نافحام آیت الله "سیدحسن مدرس"، به ام "رضا خان" (1305 ش.)

پس از آنکه رضاخان پهلوی به قدرت دست یافت، درصدد برآمد تا از آیت‌الله سیدحسن مدرس انتقام بگیرد و او را از سر راه خویش بردارد. به همین منظور ده نفر از مأموران شهربانی را مأمور ترور وی نمود. در هفتم آبان ماه 1305 شمسی هنگامی که آیت‌الله مدرس از کوچه‌ای در تهران عبور می‌کرد از اطراف، مورد سوء قصد و شلیک گلوله‌ها قرار گرفت. ولیکن بدون اینکه به خود تزلزلی راه دهد با چابکی از مهلکه نجات یافت و تنها از ناحیه کتف و ساعد زخمی گشت و به بیمارستان منتقل گردید. ایشان از بیمارستان پیام فرستاد: به رضاخان بگویند که به کوری چشم بدخواهان، من هنوز زنده‌ام. با این حال، رضاخان وجود او را تحمل نکرد و پس از چندی ایشان را به خواف در استان خراسان تبعید کرد و پس از سالیانی تبعید، به شهادت رساند.

تصویب قانون مبارزه با کشت خشخاش در مجلس شورای ملی (1334 ش.) تا قبل از سال 1334 به دلیل قانونی بودن تولید، توزیع و ترانزیت مواد مخدر هر چند به صورت محدود و تحت نظارت دولت، شمار معتادان به دلیل دسترسی به مواد اعتیاد آور رو به فزونی بود و در واقع مصوبه‌های آن دوران حرکتی بود برای تأمین منابع درآمد ملی، تا این که در 7 آبان 1334 با تصویب قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک قدمی اساسی در مبارزه با اعتیاد بر داشته شد. این حرکت در نخستین گامها به قدری حرکت جدی به شمار می‌آمد که ایران در تبصره واحده «قانون الحاق دولت ایران به پروتکل تحدید و تنظیم کشت خشخاش و تولید و تجارت بین المللی و تجارت عمده مصرف تریاک» (مصوب 1336/8/14) بر این امر تأکید کرد که: «الحاق ایران به این پروتکل به هیچ وجه تأثیری در قانون منع کشت خشخاش مصوب هفتم آبان ماه 1334 نخواهد داشت». متعاقباً آیین نامه این قانون در 1347/10/19 به تصویب رسید و در سال 1338 قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش برای رفع کاستی های قانون مورد تصویب قرار گرفت که تعریف و تعیین مواد مخدر را می‌توان از جمله اقدامات قانون‌گذار در این مقطع دانست. در این مدت «اصل عدم دسترسی به مواد مخدر و توسعه در درمان» مورد توجه بود ولی متأسفانه در این حرکت، تجارت غیر قانونی و قاچاق تریاک از خارج به ایران به منظور ارضای تقاضای شدید معتادین به تریاک افزایش یافت. تا جایی که قانون‌گذار ناچار شد در 1347/12/13 قانون اجازه کشت محدود خشخاش و صدور تریاک را به تصویب برساند.

درگذشت "حسینعلی راشد" دانشمند و سخنور معاصر (1359 ش.) حجت‌الاسلام حسینعلی راشد فرزند عالم بزرگوار ملاعباس تربتی در سال 1284 ش در تربت حیدریه در استان خراسان به دنیا آمد. در شانزده سالگی برای فراگیری علوم اسلامی راهی مشهد شد و طی ده سال از محضر ادیب نیشابوری و دیگران بهره برد. او همچنین از علمای نجف، اصفهان و تهران نیز استفاده فراوان برد و سپس به وعظ و ارشاد پرداخت. راشد مدتی در اصفهان منبر رفت ولی توسط رژیم شاهی به زندان افتاد. وی از سال 1320 ش در رادیو ایران به ایراد سخنرانی‌های اخلاقی و مذهبی پرداخت و در مدرسه سپهسالار (مدرسه شهید مطهری) و دانشگاه تهران به امر تدریس مشغول شد. حسینعلی راشد سرانجام در سال هفتم آبان 1359 در 75 سالگی در گذشت. فضیلت‌های راشد، دو فیلسوف شرق و غرب و مجموعه سخنرانی‌های راشد، از جمله آثار اوست.

محاصره ی مکه و سنگ باران کعبه از سوی سپاهیان یزید بن معاویه (64 ق.) یزید بن معاویه پس از شهادت اباعبدالله الحسین (ع) و یارانش در کربلا و اسیر نمودن اهل بیت و بازماندگان آنان، خود را در نزد مسلمانان، بی‌مقدار و بی‌اعتبار کرد. از سوی دیگر، افشاگری‌های خاندان عصمت و طهارت و طرفداران اهل بیت (ع)، مردم را بر ضد حکومت یزید وادار به قیام نمود. به همین جهت در سال 63 ق شورش‌ها و جنبش‌هایی بر ضد یزید در حجاز به وجود آمد. سرانجام اهالی مکه و مدینه اقدام به مخالفت‌های علنی و درگیری مسلحانه با سپاهیان و عاملان یزید نمودند. در مکه، عبدالله بن زبیر با پرداختن به عبادت و مخالفت با یزید بن معاویه، مردم را به گرد خود جمع کرد و به تدریج قوت یافته بود و توانست شهر مکه را از دست عامل یزید بیرون آورد و خود بر آن استیلا یابد. سپاهیان شام به مکه هجوم آورده و آن را در محاصره خویش قرار دادند و بر اهالی آن بسیار سخت گرفتند. آنان بر بلندی‌های اطراف مکه، منجنیق‌ها و سنگ‌اندازهای بزرگی نصب کرده و به وسیلهی آنها شهر را سنگ‌باران کردند. عبدالله بن زبیر و بسیاری از مردم به مسجدالحرام پناه آورده تا از شدت سنگ‌باران دشمن در امان باشند، ولی حصین بن نمیر دستور داد که مسجدالحرام و کعبه را نیز نشانه گرفته و زیر ضربات خویش قرار دهند. سپاهیان یزید با این اعمال ننگین خودکاری از پیش نبوده و متقابلاً موجب تقویت عبدالله بن زبیر و قیام او گردیدند. سرانجام یزید در 14 ربیع‌الاول همان سال به هلاکت رسید و نیروهای شامی به شام بازگشت نمودند و عبدالله بن زبیر، زمام امور حجاز را به دست گرفت.

تولد "دسیدریوس اراسموس" محقق و فیلسوف بزرگ هلندی (1466م) دزیدریوس اراسموس (به هلندی: Desiderius Erasmus) دانشمند و فیلسوف و ادیب هلندی و یکی از علمای مشهور قرن پانزدهم میلادی است که به سال ۱۴۶۶ در رتردام زاده شد. پس از اتمام تحصیلات داخل سلسله رهبانان گردید و در بعضی مدارس به تدریس پرداخت. سپس او را به تعلیم پسر ژاک چهارم پادشاه سلاطین وقت

به جلب او به دربارهای خویش کوشیدند و چون در آن وقت اصلاح و تعدیل دین مسیحی لازم به نظر می‌آمد او در این معنی با لوتر به مکاتبه پرداخت و آنگاه که لوتر دست به کار دعوت زد وی از مکاتبه با لوتر خودداری کرد و بر ضد وی چیزهایی نوشت و چون در همه تالیفات او حریت فکر و آزادی عقیده مشهور بود بیشتر تالیفات او از طرف واتیکان ممنوع و سوخته شده مخصوصاً با نوشتن کتاب «در ستایش دیوانگی» که با همه اصناف بشری سروکار دارد و انتقاد می‌کند. طایفه رهبانان با او دشمنی سختی پیدا کردند. وی به سال ۱۵۳۶ در شهر بال بدرود حیات گفت.

درگذشت "جان لاک" فیلسوف و نظریه پرداز معروف انگلیسی (1704م) جان لاک، فیلسوف و نظریه پرداز معروف انگلیسی و بنیان‌گذار فلسفه حکومت دموکراسی در 29 اوت 1632م در رینگتن انگلستان به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در آکسفورد به پایان رساند و پس از آن به تدریس زبان یونانی، معانی بیان و فلسفه پرداخت. وی در سال‌های بعد به تفکر درباره دستگاه فلسفی خود که اساس دموکراسی جهان است، پرداخت. کلید فلسفه لاک شامل دو کلمه "توافق قراردادی" است. وی اعلام داشت که تمام حکومت‌ها، سراسر، روابط انسانی و همه زندگی را باید به مثابه داد و ستد تلقی کرد. لاک، ذهن انسان به هنگام تولد را همچون لوحه سفیدی می‌دانست که تجارب حسی، مانند متن کتاب، از آغاز تولد تا زمان مرگ، بر لوح ذهن نوشته می‌شود. این معلومات به صورت حفظیات شکل می‌پذیرد و حفظیات به گونه فکر و فکر به جامه عقل درمی‌آید. بنابراین عقل انسان چیزی جز ارزشیابی دنیای مادی که از دریچه‌های حواس به داخل ذهن راه می‌یابد، نیست. لاک بر این عقیده است که اشخاص مختلف، دنیا را به صور مختلف می‌بینند، زیرا اگرچه حواس به ظاهر یکی است، اما دنیا را متفاوت دریافت می‌کنند. وی حکومت خوب را حاصل قرارداد میان انسان با انسان می‌دانست و وظیفه حکومت‌ها را خدمت به مردم عنوان می‌کرد. لاک درباره حکومت عادلانه می‌گفت که باید مبتنی بر رضایت اکثریت مردم باشد. به مردم، آزادی بیان، آزادی فکر، آزادی انتخاب و آزادی دین بدهد و برای آن که کار به خودکامگی نکشد، لازم است که سه قوه مقتنه، مجریه و قضائیه وجود داشته باشند. اما رؤیای لاک از حکومت آزادی خواه ملی فراتر رفت و او اصولی، هم برای حکومت بین‌المللی و هم حکومت ملی، طرح افکند. به نظر لاک، دوره ترقی واقعی وقتی آغاز خواهد شد که کشورها نیز چون مردم، طبق یک قرارداد اجتماعی با هم متحد شوند و از لحاظ سیاسی به یکدیگر اتکا ورزند. لاک عقیده داشت که هدف همه حکومت‌ها، حفظ حیات، آزادی و خوشبختی ملت‌هاست، اصل عدالت مبتنی بر نیاز و احتیاج مردم است و عاملی که معلوم می‌دارد مردم به چه چیز احتیاج دارند، صدای آنهاست. وی در این جا عنوان می‌کند که اخلاق و رفتار خوب، نتیجه حکومت خوب است. فلسفه لاک را می‌توان چنین خلاصه کرد: استقلال افراد در یک جامعه دموکراسی، اتکای اقوام در کشورها به یکدیگر در دنیایی آزاد؛ استقرار اخلاقیات بر مبنای تعاون در میان همه افراد بشر. از آثار عمده‌ای که لاک در آن‌ها به تشریح عقاید فلسفی خویش پرداخته است، می‌توان از کتب رساله درباره فهم بشر، اندیشه‌هایی در باب تعلیم و تربیت و معقولیت دین مسیح (ع) نام برد. جان لاک سرانجام در 28 اکتبر 1704م در 72 سالگی درگذشت. (ر.ک: 29 اوت)